

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده تاریخ
گروه ایران اسلامی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته تاریخ، گرایش تاریخ ایران بعد از اسلام

مناصب شهری دوره‌ی آل بویه؛ قاضی، شرطه و نقیب

استاد راهنما :
دکتر سید محمد رحیم ربانی زاده

استاد مشاور :
دکتر شهرام یوسفی فر

پژوهشگر :
مریم نصری دشت ارژندی

بهمن ماه ۱۳۹۲

برگه تصویر ارزیابی پایان نامه

سپاس خدای را که سخوران، در ستودن او بماند و شمارندگان، شمردن نعمت های او ندانند و کوشندگان، حق او را کزاردن نتوانند و سلام و دورد بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان و امدار وجودشان است.

بدون شک جایگاه و منزلت معلم، اجل از آن است که در مقام قدردانی از زحمات بی ثابتهای او، با زبان قاصر و دست ناتوان، چیزی بنگاریم. اما از آنجایی که تجلیل از معلم، سپاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تائین می کند و سلامت امانت هایی را که به دستش سپرده اند، تضمین؛ بر حسب وظیفه و از باب "من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عزوجل": از پدر و مادر عزیزم... این دو معلم بزرگوارم... که همواره بر کوتاهی و درستی من، قلم عضو کشیده و کریمانه از کنار غفلت هایم گذشته اند و در تمام عرصه های زندگی یار و یاور بی چشم داشت برای من بوده اند؛

از استاد با کمالات و شایسته؛ جناب آقای دکتر سید محمد رحیم ربانی زاده که در کمال سه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ گلی در این عرصه بر من دریغ ننمودند و زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند.

از استاد صبور و باتقوا، جناب آقای دکتر شهرام یوسفی فر، که زحمت مشاوره این رساله را در حالی متقبل شدند که بدون مساعدت ایشان، این پروژه به نتیجه مطلوب نمی رسید و از استاد فرزانه؛ جناب آقای دکتر خلیفه، که زحمت داور بی این رساله را متقبل شدند؛ کمال تشکر و قدردانی را دارم. باشد که این خردترین، بخشی از زحمات آنان را پاس گوید.

تقدیم

ماحصل آموخته‌هایم را تقدیم می‌کنم به آنان که مهر آسمانی‌شان آرام بخش آلام زمینی‌ام

است

به استوارترین تکیه‌گاهم، دستان پر مهر پدرم
به سبزترین نگاه زندگیم، چشمان سبز مادرم
که هرچه آموختم در مکتب عشق شما آموختم و هرچه بگو شتم قطره‌ای از دریای بی‌کران مهربانیان
را سپاس نتوانم بگویم.

امروز، منی‌ام به امید شماست و فردا کلید باغ بهشت رضای شما
ره‌آوردی کران سنگ ترا این ارزان نداشتم تا به خاک پایتان نثار کنم، باشد که حاصل
تلاش من نسیم کوزه غبار خشکی‌تان را برزید.
بوسه بر دستان پرمهرتان

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی مناصب شهری آل بویه خصوصاً؛ قاضی، شرطه، نقیب و روند دگرگونی و کارکردی آنان می‌باشد. در پژوهش حاضر، مناصب مذکور در دوره‌ی آل بویه با روشی توصیفی - تطبیقی مورد مطالعه قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش مشخص می‌کند در زمان بویه‌یان به تدریج حضور و دخالت گروه‌های شهری در انتخاب صاحب منصبان شهری مطرح شد و از این جهت تحولی در روابط شهری، شهرهای ایران در دوره‌ی اسلامی شکل گرفت. با مطالعه مناصب شهری آل بویه، مشخص می‌شود که کارکردهای بنیادین معینی وجود داشت، که در میان همه‌ی مناصب مشترک و یک رشته کارکردهای اختصاصی تر دیگر نیز موجود بود که هر منصبی جداگانه متضمن آن‌ها بود. هم‌چنان که کارکرد بنیادین و مشترک مناصب شهری بویه‌یی، مانند: قاضی، شرطه، معونت و نقیب فراهم آوردن شرایط مطلوب در جوامع شهری بود تا استحکام هر چه بیشتر پایه‌های حکومت آنان را تضمین نمایند. این امر میسر نمی‌شد مگر در سایه‌ی تحقق کارکردهای اختصاصی تر هر یک از مناصب، از جمله: کارکرد خاص نهاد قضا عبارت بود از حل و فصل درگیری موجود در میان اعضای جامعه. کارکرد خاص نهاد شرطه، اجرای قوانین تصویب شده و حمایت شهروندان در برابر حملات ملت‌های دیگر و حفظ هوشیاری در برابر تهدیدهای خارجی بود. در حالی‌که کارکرد ویژه‌ی نهاد نقابت عبارت بود از: فراهم آوردن تفسیرهایی برای تبیین محیط اجتماعی فرد، بالا بردن روحیه‌ی اجتماعی افراد و انسجام اجتماعی و همبستگی گروهی. کارکردهای یاد شده بسیار به هم وابسته‌اند. برای آنکه اهداف حکومت‌ها از ایجاد مناصب تأمین شود، مناصب باید به گونه‌ای کارآمد با هم ارتباط داشته باشند و توازن مناسبی باید میان نهادهای شرطه، قضا و نقیب برقرار باشد.

واژگان کلیدی: آل بویه، مناصب شهری، شرطه، معونت، قاضی، نقیب.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
.....مقدمه	۱
.....فصل اول	۴
.....کلیات طرح تحقیق	۴
.....۱-۱. کلیات طرح پژوهش	۵
.....۲-۱. مسأله پژوهش	۵
.....۳-۱. سؤالات پژوهش	۵
.....۴-۱. فرضیه‌های پژوهش	۵
.....۵-۱. قلمرو پژوهش	۶
.....۱-۵-۱. قلمرو مکانی پژوهش	۶
.....۲-۵-۱. قلمرو زمانی پژوهش	۶
.....۶-۱. رویکرد نظری (چارچوب نظری)	۶
.....۷-۱. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش	۷
.....الف) ضرورت انجام پژوهش	۷
.....ب) اهمیت انجام پژوهش	۷
.....۸-۱. اهداف پژوهش	۸
.....۹-۱. موانع تحقیق	۸
.....۱۰-۱. پیشینه پژوهش	۸
.....۱۱-۱. تعریف مفاهیم	۱۱
.....۱۲-۱. پیشینه موضوع پژوهش	۱۳
.....۱۳-۱. روش انجام کار	۱۶
.....۱۴-۱. بررسی منابع	۱۷
.....۱-۱۴-۱. منابع تاریخی	۱۷
.....الف) تاریخ‌های سلسله ای	۱۷
.....ب) تاریخ‌های عمومی	۱۸
.....پ) تاریخ‌های محلی	۲۱
.....ت) منابع جغرافیایی	۲۲
.....ث) منابع فقه سیاسی (احکام سلطانی)	۲۴
.....ج) منابع انساب	۲۴
.....۱-۱۵-۱. سفرنامه	۲۵
.....۱-۱۶-۱. پژوهش‌ها	۲۶
.....فصل دوم:	۲۹

منصب قاضی	۲۹
۱-۲. منصب قاضی	۳۰
۲-۲. معنای لغوی و اصطلاحی	۳۰
۳-۲. منصب قاضی تا دوره ی سامانی	۳۰
۴-۲. منصب قاضی در دوره ی سامانی	۳۳
۱-۴-۲. ویژگیهای منصب قاضی در دوره ی سامانی	۳۶
۵-۲. منصب قاضی در دوره ی آل بویه	۳۸
۱-۵-۲. ویژگیهای منصب قاضی در دوره ی آل بویه	۴۱
۲-۵-۲. وظایف منصب قاضی	۴۵
۱-۲-۵-۲. وظایف قضایی منصب قاضی	۴۶
الف) سرپرستی اموال یتیمان	۴۶
ب) حل و فصل اختلافات و دعاوی میان طرفین دعوی	۴۶
پ) مدیریت و برپایی اجرای حد	۴۶
پ) سرپرستی املاک وقف و گماردن متصدیان مربوط	۴۷
ت) یاری ستمدیدگان	۴۷
ث) نظارت بر ضرب سکه و عیار آن	۴۷
ج) عقد نکاح (زناشویی)	۴۸
چ) رسیدگی به مظالم	۴۸
ح) شهادت دادن و گواه بودن بر خلع و نصب خلفا	۴۸
خ) فتوا دادن	۴۹
د) انتخاب متصدی حسب	۵۰
۲-۵-۲. وظایف غیر قضایی منصب قاضی	۵۰
الف) قاضی در نقش سفیر خلیفه و امیران	۵۰
ب) میانجی گری میان خلفا و امرا	۵۱
پ) سرپرستی حجاج و زائران خانه خدا(امیرالحاج)	۵۲
۶-۲. کارکردهای منصب قاضی	۵۲
۷-۲. رابطه منصب قاضی با حکومت مرکزی	۵۳
فصل سوم :	۵۵
منصب شرطه	۵۵
۱-۳. منصب شرطه	۵۶
۲-۳. معنای لغوی و اصطلاحی شرطه	۵۶
۳-۳. منصب شرطه تا دوره ی سامانی	۵۷
۴-۳. منصب شرطه در دوره ی سامانی	۵۹
۵-۳. منصب شرطه در دوره ی آل بویه	۶۱
۱-۵-۳. معنای لغوی و اصطلاحی معونت	۶۲
۲-۵-۳. منصب معونت و صاحب المعونت تا تأسیس سلسله بویه	۶۳

۳-۵-۳	منصب معاونت در دوره‌ی آل بویه	۶۵
۳-۵-۴	رابطه معاونت با منصب شرطه	۶۶
۳-۵-۵	ویژگی های منصب شرطه و معاونت در دوره‌ی آل بویه	۶۶
۳-۵-۶	وظایف منصب شرطه و معاونت	۶۸
۳-۶	رابطه منصب شرطه و معاونت با حکومت مرکزی	۶۹
۳-۷	کارکردهای منصب شرطه و معاونت	۷۱
	فصل چهارم:	۷۳
	منصب نقیب	۷۳
۴-۱	منصب نقیب	۷۴
۴-۲	معنای لغوی و اصطلاحی نقیب	۷۴
۴-۳	پیدایش منصب نقابت	۷۵
۴-۳-۱	زمینه‌ها و عوامل سیاسی	۷۵
۴-۳-۲	زمینه‌ها و عوامل فرهنگی - اجتماعی	۷۷
۴-۴	منصب نقیب تا تأسیس حکومت سامانی	۷۸
۴-۵	نقیب در دوره‌ی سامانی	۸۱
۴-۶	نقیب در دوره‌ی آل بویه	۸۲
۴-۶-۱	ویژگی های منصب نقیب در دوره‌ی آل بویه	۸۵
۴-۶-۲	وظایف منصب نقیب	۸۷
۴-۶-۲-۱	وظایف نقیب خاصه	۸۸
	الف) سرپرستی سادات	۸۸
	ب) ضبط انساب سادات	۸۸
	پ) سرپرستی اوقاف سادات	۸۹
	ت) تأمین رفاه و نیازهای اقتصادی سادات	۸۹
۴-۶-۲-۲	وظایف نقیب عامه	۸۹
	الف) سرپرستی اموال سادات یتیم	۸۹
	ب) قضاوت میان سادات و اجرای حکم	۹۰
	پ) اجرای نکاح و خواندن خطبه عقد	۹۰
	ت. سرپرستی اموال افرادی که به دلیل سفاهت، جنون و نظایر اینها طرد شده‌اند	۹۱
۴-۷	رابطه منصب نقیب با حکومت مرکزی	۹۱
۴-۸	کارکرد منصب نقیب	۹۳
	نتیجه‌گیری	۹۵
	فهرست منابع	۹۷
	کتاب:	۹۷
	تحقیقات جدید	Error! Bookmark not defined.
	مقالات	Error! Bookmark not defined.

در ابتدای قرن چهارم هجری و در ادامه کشاکش قدرت بین خلفای عباسی بغداد و حکومت‌های ایرانی که بر بخش شرقی سرزمین‌های خلافت تسلط داشتند و در زمانی که بغداد بر اثر حضور و قدرت نمایی امیرالأمراها هیبت و قدرت نظامی و اداری خود را از دست داده بود، آل بویه در حالی که خود پیشینه‌ای از نظر تشکیلاتی و حکومتی نداشت با ظهور از نواحی شمالی ایران که سابقه‌ای طولانی در سپاهیگری داشت، جریان حکومت‌های ایرانی در شرق را به غرب تسری داد و سرزمین‌های غرب ایران را نیز برای نخستین بار پس از اسلام از زیر سلطه مستقیم خلفا خارج کرد و در نهایت بر دستگاه خلافت تسلط یافت. بدین ترتیب اداره‌ی سرزمین وسیعی را بدست گرفت.

اگرچه، سه برادر بویه‌ی از نظر نظامی شاخص و در بکارگیری فنون جنگی و نظامی نسبتاً بی‌همتا بودند؛ اما بدلیل عدم آشنایی با اصول و آیین شهرداری در اداره‌ی سرزمین وسیعی که بر آن چیره شدند، احساس ضعف می‌کردند. از طرفی، تشکیلات اداری و سازمان‌های اجرایی شهرها به معنی واقعی ابتدا در زمان سامانیان به وجود آمد. این تشکیلات در اصل با تشکیلات عباسیان و بدان طریق از بسیاری جهات با ساسانیان تطابق داشت. سامانیان بدون آن‌که خلیفه در شرق اختیاری داشته باشد تشکیلات اداره‌ی شهرها را با عبارت «به نام خلیفه مؤمنان»، که بر روی سکه‌ها ضرب می‌نمودند، رهبری می‌کردند و افراد فرهیخته و دانشمند را به عنوان نماینده‌ی خود بر شهر می‌گماردند. ثمره این کوشش‌ها، عرضه‌ی ساختار سیاسی با عظمتی بود، چنان‌که از برخی منابع هم چون سیاست‌نامه خواجه نظام الملک پیداست، سرمشقی برای دولت‌های بعدی، یعنی بویه‌یان، غزنویان و سلجوقیان شد.

از آنجا که، حاکمان بویه‌ی به تنهایی قادر به اداره‌ی کشور و سامان‌دهی به جزئیات امور شهرها نبودند. جهت اداره‌ی امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قضایی و انتظامی شهرها افرادی را برای سامان‌دهی به امور شهری گماردند، بدین ترتیب حاکمان (والیان) مجری امور سیاسی شهرها شدند، اداره‌ی اموری که در شهرهای امروزی بر عهده‌ی شهرداری‌هاست به منصب رئیس تفویض شد. امور قضا را محاکم شرع و محتسب عهده‌دار شدند و امور انتظامی، به عهده‌ی منصب شرطه گذاشته شد تا با همکاری سایر صاحب منصبانی چون معونتگران به سامان‌دهی امن شهرها بپردازد. کسانی که در رأس مناصب مذکور قرار می‌گرفتند به طور مستقیم با حکومت مرکزی مرتبط می‌شدند، چرا که در اصل حق حاکمیت بر مردم به حکومت مرکزی و شخص پادشاه یا خلیفه بغداد تعلق داشت به تبع، عزل و نصب مقاماتی مانند امیر، والی یا حاکم که در رأس امارت یک شهر بودند حق حکومت بود. ایالات تحت حاکمیت آل بویه به دو گروه تقسیم می‌شد. از آن جا که دو شیوه‌ی مذکور در نحوه‌ی انتصاب مدیران شهری بسیار مؤثر بود، تشریح آن‌ها لازم و ضروری است. گروهی از آن‌ها بطور مستقیم در اختیار آل بویه بود و گروهی دیگر تنها خراجگزار آل بویه بودند. نظام اداره‌ی ایالاتی که به عنوان خراجگزار آل بویه به حیات خود ادامه می‌دادند متفاوت بود و تقریباً با استقلال در شیوه‌ی مدیریتی به کار خود ادامه دادند و بدون شک این شیوه در نحوه‌ی انتصاب متصدیان امور شهری اثر گذار بوده است، چنان که آذربایجان

در دوره‌ی حاکمیت ابراهیم بن مرزبان، در عین استعدادهای فراوان به دلیل سیاست‌های نادرست مدیریتی، درآمد بسیار ناچیزی معادل دو میلیون درهم داشت، و علی‌رغم نظر درست ابن عمید هم تحت نظر ابراهیم باقی ماند و رکن الدوله از دخالت در آن خود داری می‌کرد. در خصوص حمدانیان موصل نیز اگرچه در سال ۳۳۷ هجری قمری بر اساس پیمان نامه صلح مقرر شد خطبه به نام عمادالدوله؛ معزالدوله و «بختیار» فرزند معزالدوله بخوانند و بر همین اساس، پرداخت خراج سالیانه هشت میلیون درهم به معزالدوله را پذیرفتند. در این مورد نیز بویه‌یان فقط به مقدار خراجی که حمدانیان متعهد به پرداخت آن بودند توجه داشتند.

در مناطقی که به صورت مستقل زیر نظر امرای آل بویه اداره می‌شد در تمام دوران حاکمیت، امرای آل بویه، از فرزندان خود برای اداره‌ی ایالات مختلف استفاده می‌کردند. هم از آن جهت که مورد اطمینان بودند و هم بدان جهت که تمرینی برای این حاکمان آینده باشد. در این ایالات، شهرها و مناطق مختلف به افرادی به عنوان ضامن (پیمانکار) واگذار می‌گردید و متصدیان اجرایی امور شهرها مستقیماً توسط امیران بویه‌ی منصوب و معزول می‌شدند. به نظر می‌رسد این افراد روستاها و هم چنین شهرهای واقع شده در حوزه‌ی خود را به افراد دیگری واگذار می‌کردند چنان که ابوالقره در دوره‌ی بختیار، فرزند معزالدوله، واسطه را به دست گرفت. این پیمانکاران در ارتباط با مناطقی که به صورت اقطاع در دست می‌گرفتند هیچ گونه تلاشی در جهت عمران و آبادانی منطقه انجام نمی‌دادند در نتیجه شهرها و روستاها از آبادانی باز ماند، اقطاع گیرندگان تنها وابستگان خود را بر امور شهری می‌گماردند. پس در آن چه به دست ایشان رخ می‌داد، دقت نمی‌کردند و راه بهتر برای بهره برداری بیشتر را جست و جو نمی‌کردند. این روش آثار زیان باری را در مناطق بر جای گذاشت.

موضوع این رساله، مناصب شهری در دوره‌ی آل بویه است، در این پژوهش جهت شناخت بهتر وظایف، ویژگی‌ها و کارکرد مناصب در شهری‌های بویه‌ی اختصاصاً به بررسی سه منصب قاضی، شرطه و نقیب پرداخته و برای درک بهتر تحولاتی که بر سر مناصب مذکور گذشته است به بررسی تطبیقی میان دوره‌ی سامانیان و آل بویه مبادرت شده است. یکی از ارکان مهم اقتدار رسمی حکومت‌ها، کارگزاران و صاحب منصبان شهری هستند. کارگزارانی مانند: قضات، شرطه، معونتگران و نقبا در اداره‌ی قلمرو بویه‌ی نقش مهمی داشتند. این افراد با سیاست گذاری‌ها و جهت‌گیری‌های خویش به سمت فرقه‌ای و یا گروهی شدن می‌توانستند موجی از تنش و آشوب را در ایران و بغداد ایجاد کنند. مناصب شهری به عنوان نهادهای اجتماعی تابع نظر و سلیقه شخص شاه نیست و عوامل متعددی از قبیل نیازها، شرایط اجتماعی، و حتی خواست گروه‌های شهری در پیدایش آن مؤثرند. هرچند، در دوره‌ی آل بویه مناصب توسط حاکمان بویه‌ی به افراد واگذار می‌شد، اما با نگاهی عمیق‌تر می‌توان دریافت که حتی تقسیم قدرت از بالا به پایین هم در جهت رضایت مردمان شهرها بود و در صورت بروز اعتراضات رعایا سریعاً مدیران شهری تعویض می‌شدند. زیرا، اگرچه رعایا سیاست گذار نبودند اما، همواره به سیاست واکنش نشان می‌دادند. سیاست گذاری در قدرت خواص حکومت بود. از این نظر رعیت (بر خلاف خواص که به واسطه-ی کارفرمای مشترک خود منافع هم سویی داشتند)، با دیگر گروه‌های مبتنی بر طبقه که تنها به گاه تهدید با هم همکاری می‌کردند، همانند بودند.

در هر دوره‌ای منصب به عنوان یک نهاد چند ویژگی مهم دارد: ۱. هدف اصلیش برآوردن نیازهای اجتماعی خاص است. بنابراین هر منصبی برای رسیدن به هدف‌هایش باید کارکردهای چندگانه‌ای را انجام دهد. به عنوان مثال، منصب شرطه مسئول تأمین نظم در شهرها، دفاع از شهرها در برابر حملات خارجی و تثبیت قوانین بود. ۲. هر منصبی، ارزش‌های غایی اعضایشان را متبلور می‌سازد. مثلاً منصب نقیب در شهرهای بویهی به عنوان نهاد مذهبی دربرگیرنده‌ی ارزش‌ها و آرمان‌های علویان و سادات بود. ۳. هر چند مناصب شهری با هم در ارتباط‌اند ولی هر منصبی بر محور یک رشته تعهدات مورد انتظار حکومت مرکزی عمل می‌کند.

از نظر ساختار مطالب، پایان‌نامه حاضر جهت بررسی « مناصب شهری در دوره‌ی آل بویه »، در یک فصل مقدماتی و سه بخش اصلی، تهیه و تدوین گردیده که به شرح ذیل می‌باشد:

در فصل اول، مقدمه، بیان مسأله و سؤالات تحقیق، فرضیه‌های تحقیق، ضرورت انجام تحقیق، اهداف تحقیق، حدود تحقیق، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و بررسی منابع، گنجانیده شده است. در فصل دوم، پس از تعریف معنای لغوی و اصطلاحی قاضی، سیر تحول آن منصب از نظر شاخصی و کارکردی در سه فاصله‌ی زمانی صدر اسلام تا تأسیس سلسله‌ی سامانی، حکومت سامانی و آل بویه بررسی شده، هم‌چنین به ویژگی‌ها، وظایف و رابطه‌ی منصب مذکور با حکومت مرکزی در زمان حکومت بویه‌یان توجه شده است. در فصل سوم، مشتمل بر: معنای لغوی و اصطلاحی شرطه، بررسی سیر تحولات شرطه از صدر اسلام تا سلسله‌ی سامانی، وضعیت و ویژگی منصب مذکور در دوره‌ی سامانی، تحولات منصب شرطه در دوره‌ی آل بویه، تعریف لغوی و اصطلاحی منصب معونت، رابطه‌ی منصب معونت با منصب شرطه، ویژگی‌ها و وظایف آن‌ها در زمان حکومت برادران بویهی، رابطه‌ی منصب شرطه و معونت با حکومت مرکزی و در آخر مطالبی چند در ارتباط با نحوه‌ی عملکرد آن منصب در دوره‌ی بویهی آورده شده؛ در فصل چهارم، منصب نقیب از تمام جنبه‌هایی که در دو فصل قبلی مورد ارزیابی قرار گرفته بودند، بررسی شده است.

در پایان از زحمات بی‌شائبه استاد راهنمای فاضل جناب آقای دکتر سید محمد رحیم ربانی زاده که با راهنمایی‌های استادانه در طول مدت تحقیق آگاهی دادند، کمال تشکر و قدردانی را دارم. ایشان نه تنها زحمت خواندن تمام مطالب پایان نامه را متحمل بوده‌اند بلکه تمام پرسش‌های اینجانب را با صبر و حوصله پاسخ گفته و موارد مبهم را روشن نموده‌اند، هم‌چنین از آقای دکتر شهرام یوسفی‌فر، بی‌اندازه سپاسگزارم. زیرا افزون بر حضور ایشان به عنوان صاحب نظر در عرصه تاریخ اجتماعی ایران، در سمت استاد مشاور، نه تنها روشنگر بسیاری از ابهامات ذهنی نگارنده و رفع نقایص پایان نامه را داشتند بلکه از آثار ارزشمند ایشان نیز در طول تألیف استفاده‌های فراوان به عمل آمد. بنابراین، نگارنده مسئولیت هرگونه اشتباه و سهوی که در مطالب این پایان نامه مشاهده می‌گردد را بر عهده می‌گیرد.

فصل اول

کلیات طرح تحقیق

۱-۱. کلیات طرح پژوهش

۲-۱. مسأله پژوهش

از یک سو رابطه بین مردم و تشکیلات اداری و از سوی دیگر حیات اجتماعی در شهر بدون حضور قواعد و مقرراتی که رابطه‌ی متقابل بین همه‌ی اقشار و گروه‌های مردمی را شکل دهد، میسر نیست. در تاریخ میانه ایران، مناصب شهری توسط نمایندگان خاندان‌های شناخته شده‌ی شهر که دارای تجربه و سابقه در یک حرفه یا تخصص خاص، بودند اداره می‌شد. در واقع گروهی از نخبگان شهری وظیفه‌ی اداره‌ی امور شهر را برعهده می‌گرفتند و ضمن این که نماینده‌ی حکومت بر جامعه شهری محسوب می‌شدند، مدافع حقوق مردم در برابر حکومت نیز به حساب می‌آمدند.

در دوره‌ی آل‌بویه پدیده‌ای شکل گرفت که در پی آن امیران بویه‌ای برای پر کردن خزانه و تأمین نیازهای لشکری و کشوری مناصب مهم را به تیول می‌دادند؛ ازطرفی گرایش به واگذاری اقطاع، واگذاری حق گردآوری مالیات یک منطقه به امیر یا صاحب منصبی که خدمتی را انجام داده بود و گاهی اصولاً به عنوان مستمری به وی واگذار می‌شد، امری رایج بود به گونه‌ای که قسمتی از قلمروی آل‌بویه به شکل اقطاعات واگذار شد و دیگر به شکل رسمی در حوزه‌ی اختیارات حکومت مرکزی قرار نداشت. این پژوهش بر آن است تا به این مسأله بپردازد که ویژگی مناصب شهری در دوره‌ی آل‌بویه ناشی از ساختار سیاسی آن دولت بوده است یا متأثر از گرایش‌های گروه‌های شهری (تحولات درونی شهرها)؟

۳-۱. سؤالات پژوهش

۱. در دوره‌ی آل‌بویه چه مناصبی وجود داشت؟
۲. شرایط تصدی مناصب شهری چه بود؟
۳. کارکرد مناصب شهری دوره‌ی آل‌بویه چگونه بود؟

۴-۱. فرضیه‌های پژوهش

۱. مناصب شهری در دوره‌ی آل‌بویه را می‌توان به چهار گروه دسته بندی کرد. نخست، امور اداری، سیاسی و امنیتی شهر که بر عهده امیر یا حاکم شهر بود. دوم، امور اجتماعی، اقتصادی، و امور مربوط به شهرداری‌ها که توسط رئیس شهر مورد رسیدگی قرار می‌گرفت. سوم امور انتظامی که با شحنة بود. چهارم، امور قضایی که توسط قضات مورد رسیدگی قرار می‌گرفت و ضمناً یکی از مهم ترین مناصب مذهبی و مجری امور دینی هم محسوب می‌شد.

۲. مدعا بر این است که شایسته سالاری و ارزش‌ها و توانایی‌های فردی، ملاک گزینش افراد جهت احراز مناصب شهری بوده است.

۳. با توجه به این نکته که، مهم‌ترین و اصلی‌ترین کارکرد مناصب شهری تحقق امر اداری جامعه شهری با قومیت‌ها و گروه‌های متنوع مذهبی و نهایتاً حفظ منافع و رفاه رعایا با عقاید گوناگون دینی بوده است؛ بحران‌های مذهبی - اجتماعی موجود در شهرهای بویه‌ای نشان از کارکرد نامطلوب مناصب مذکور دارد.

۱-۵. قلمرو پژوهش

۱-۵-۱. قلمرو مکانی پژوهش

محدوده‌ی جغرافیایی قلمرو آل بویه از ری و سپس شیراز آغاز شد (۳۲۲ه.ق) و با تصرف اصفهان به دست رکن‌الدوله (۳۲۴ه.ق) و سرزمین کرمان به دست معزالدوله (۳۲۴ه.ق) گسترش خود را آغاز نموده و به تدریج با تصرف بغداد (۳۲۵ه.ق) و هم چنین عمان (۳۳۱ه.ق)، سرزمین وسیعی را در برگرفت که از شمال به دریای خزر و از جنوب تمامی حاشیه جنوبی سواحل خلیج فارس و از شرق مرزهای شرقی کرمان و از غرب تا شهر آمد در آن سوی دریاچه وان را شامل می‌شد. به عبارتی دیگر، جغرافیای سیاسی ایران و عراق در دوره‌ی آل بویه (تمامی مستملکات آل بویه) که در اصل سه امارت جداگانه بود و سرزمین‌های مغرب، شمال و جنوب ایران و عراق را در بر می‌گرفت: ۱. آل بویه جبال؛ که خود به دو شعبه الف) شاخه‌ی همدان و اصفهان، ب) شاخه‌ی ری تقسیم می‌شد. و سرزمین‌های مذکور را در برمی‌گرفت. آل بویه فارس و خوزستان. ۳. آل بویه عراق.

۱-۵-۲. قلمرو زمانی پژوهش

از زمان روی کارآمدن آل بویه (۳۲۲ه.ق) تا سقوط آنان (۴۴۸ه.ق)

۱-۶. رویکرد نظری (چارچوب نظری)

رویکرد نظری که برای شناخت تأثیر مناصب شهری در رشد و شکوفایی زندگی شهری دوره‌ی آل بویه اتخاذ شده است، بر اساس برداشت‌هایی از مجموعه نظریه‌های پیرامون «نقش» و «کارکرد» در حوزه‌ی علوم اجتماعی استوار است.

نقش، به آن رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از دارنده‌ی یک منزلت معین انتظار دارند. (بروس کوئن، ۱۳۷۵: ص ۵۹) هم چنین، یک نقش دارای حقوقی است که از جانب نقش‌های دیگر به آن پاسخ داده می‌شود. علاوه بر این، هر نقش از ویژگی‌های فرد ایفا کننده‌ی آن نقش تأثیر می‌پذیرد. این در حالی است که این ویژگی‌ها در به انجام رسانیدن وظایف آن نقش مؤثر می‌باشد. گاه فرد در اجرای نقش‌های محوله دچار مشکل می‌شود که این مسأله دو دلیل عمده می‌تواند داشته باشد: ۱. عدم توانایی فرد در انجام آن نقش است؛ ۲. فرد در یک زمان نقش‌های متعارضی را عهده‌دار شده است.

(بروس کوئن، ۱۳۷۵:ص ۶۰)

از آنجایی که انتظام نظام اجتماعی در یک جامعه و در شرایط و موقعیت‌های گوناگون بر عهده‌ی نقش‌هاست، تحقق وظایف یک نقش موجب پیدایش رضایت‌مندی در نظام اجتماعی می‌شود. بررسی ویژگی‌ها و وظایف یک نقش، چگونگی پیوند و ارتباط آن نقش با سایر نقش‌ها را نمایان ساخته، کارکردهای آن نقش را آشکار می‌سازد. از سوی دیگر، سهم هر نقش در دوام جامعه با مطالعه‌ی کارکردهای آشکار و پنهان آن نقش امکان‌پذیر می‌گردد. علی‌رغم تعدد استعمال کارکرد، عام‌ترین معنای آن در جامعه‌شناسی نتیجه و اثر است که انطباق یا سازگاری یک ساختار معین یا اجزای آن را با شرایط لازم محیط، فراهم می‌نماید. (بوریل، گیبسون و گارت مورگان، ۱۳۸۳: ص ۵۰) بنابراین، معنای کارکرد در منطق کارکردگرایی، اثر یا پیامدی است که یک پدیده در ثبات، بقاء و انسجام نظام اجتماعی دارد. (فصیحی، ۱۳۸۹: صص ۱۳۱-۱۰۹) منظور از کارکرد آشکار، نتایج وظایف و فعالیت‌هایی است که برای نقش شناخته شده و مورد انتظار است. اما، کارکرد پنهان به نتایجی گفته می‌شود که، نقش از آن آگاهی ندارد. هم‌چنین، شبکه‌ی هماهنگ نقش‌ها، که مجموعه‌ای از روابط و مناسبات میان نقش‌هاست، به همراه اهداف و ارزش‌های مشترک آن نقش‌ها باعث استحکام جامعه می‌گردد. در رویکرد این پژوهش، شناخت وظایف مناصب شهری و در پی آن کارکردهای آن مناصب به عنوان نقش‌های محلی در جامعه‌ی دوره‌ی بومی که دارای ویژگی‌های خاص خود هستند، سهم آن مناصب را در دوام جامعه نمایان می‌کند. بدین ترتیب، با چنین رویکردی می‌توان مطالعه‌ی نظام‌مند پیرامون مناصب شهری آل‌بویه، وظایف آن‌ها و کارکردهایشان انجام داد و به شناخت سهم آن مناصب در رشد نهادهای محلی نائل آمد.

۷-۱. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

الف) ضرورت انجام پژوهش

۱. تاکنون، نقطه تمرکز اکثر پژوهش‌هایی که در ارتباط با دوره‌ی آل بویه انجام گرفته معطوف به بررسی تحولات سیاسی بوده و ابعاد اجتماعی دوران مذکور، کمتر و آن هم در حاشیه‌ی شرح احوالات سیاسی و اقتصادی، مورد توجه قرار گرفته است. ۲. انتشار نتایج پژوهش می‌تواند در بهسازی سازمان شهری جامعه ایران یاری رسان باشد.

ب) اهمیت انجام پژوهش

از آن جایی که امروزه مفهوم شهر و شهرسازی را تنها منحصر به جنبه‌های معماری آن نمی‌دانند، اطلاعات مربوط به مناصب شهری باعث بهبود زندگی اجتماعی شهرنشینان می‌شود.

۸-۱. اهداف پژوهش

۱. آگاهی از تبعات واگذاری مناصب شهری به افرادی که فاقد شایستگی لازم هستند. (مانند؛ بروز هرج و مرج در جامعه شهری و شکل گیری جنبش های سیاسی علیه حکومت مرکزی و ...)
۱. حل مسائل جامعه ی امروز ایران از طریق کنکاش در ارکان مرتبط با شهر مانند نحوه ی واگذاری مناصب شهری.

۹-۱. موانع تحقیق

از دیر باز تاکنون، ساختارهای سیاسی، وقایع سیاسی، زندگی و شرح حال نخبگان سیاسی دل مشغولی اصلی مورخان را تشکیل می داده است. هم چنین، گرایش های تاریخ نگاری رایج در ایران که محوریت بحث های تاریخی را در مسائل و وقایع سیاسی جست و جو می کند، ریشه ی عمیق در سنت تاریخ-نگاری این سرزمین دارد. از خلال بیشتر کتب و منابع تاریخی جز مسائل مرتبط با حکام و سیاستمداران چندان چیز دیگر نمی توان یافت. منابع تاریخی در قبال اوضاع اجتماعی، مناصب شهری، و روابط متقابل متصدیان مناصب اطلاعات بسیار اندک و مبهمی ارائه می کنند. متأسفانه مباحث تاریخ اجتماعی نه تنها از سوی منابع تاریخی بلکه مورد بی توجهی پژوهشگران نیز قرار گرفته، و به همین سبب مسأله مذکور در پژوهش ها و تحقیقات جدیدی که در عرصه تاریخ انجام شده، بطور جدی مطرح نشده است. علاوه بر موارد مذکور، عدم تسلط کافی و آشنایی کامل نگارنده با زبان و ادبیات عربی، روند پیشرفت کار را با مشکلاتی روبرو ساخت. با توجه به آن چه گفته شد، جمع آوری اطلاعات و داده ها که بخش مهمی از کار تحقیق را شامل می شد با دشواری بسیاری رو به رو نمود.

۱۰-۱. پیشینه پژوهش

هر چند در ارتباط با مقوله « مناصب شهری در دوره ی آل بویه » اثر مستقلی در دست نیست اما در میان تحقیقات مرتبط با دوره ی آل بویه، آثاری را می توان یافت که ضمن بیان تحولات سیاسی، به منصب های موجود در آن دوره، نحوه ی واگذاری مناصب و وظایف متصدیان آن اشاراتی دارند از جمله:

۱۰-۱-۱. یعقوب آژند (۱۳۷۹) در مقاله ای تحت عنوان « مذهب امامیه در قرن چهارم هجری » علاوه بر ذکر تحولاتی که بر این جریان مذهبی گذشته، حضور تشیع امامیه را در جامعه اسلامی - به

خصوص ایران - سده چهارم هجری به بحث می‌گیرد. این جستار به ویژه به پیوند مذهب امامیه با آل-بویه و علت دگر سانی آل بویه از مذهب زیدی به مذهب امامی و ارتباط آن با قدرت‌های شیعه آن روزگار (فاطمیان، قرامطیان، زیدیان یمن) توجه دارد. توسعه‌ی جغرافیایی مذهب تشیع امامی نیز از مسائلی است که محل بحث قرار گرفته است. هم چنین به شیوه‌های رشد و گسترش فرهنگی شیعه امامیه اشاراتی دارد. با مطالعه مقاله مذکور می‌توان به شرایط موجود در جامعه بویهی و دلیل پررنگ و برجسته شدن نقش نقیبان به عنوان مجریان امور دینی در شهرهای آل بویه پی برد.

۱-۱۰-۲. خانم لمبتون طی مقاله‌ای تحت عنوان "Administration and Social Organization" "به معرفی مناصب شهری پرداخته است. طبق آن چه در این مقاله نوشته شده، وی مناصب زیر را به-عنوان مناصب شهری ایران در دوران میانه به حساب آورده: امیر، امیر سوق، بیگلر بیگی، عسس، چراغ چی، داروغه شاگرد، داروغه چی، دیوان بیگی، فراش، گزمه، گذر چی، حاکم، کدخدا، کلانتر، مهماندار باشی، میر شب، میر آب، محتسب، نقیب، اقطاع دار، نقیب الاشرف، رئیس، شحنة، شرطه و والی. در صورتی که در این پژوهش معونت، صاحب المعونت و قاضی نیز جزء مناصب شهری به حساب آمده و مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۱۰-۳. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، اثر اشپولر (۱۳۷۳) از جمله آثاری است که تحولات نظام اداری ایران را پس از فتوحات اعراب مسلمان، نحوه‌ی انتصاب و انتخاب متصدیان جهت اداره‌ی امور شهری و کشوری و لشکری از زمان خلفای راشدین، حکومت امویان، و عباسیان به خوبی نقل کرده و در این بین اشاراتی هر چند گذارا و مختصر به نحوه‌ی شکل گیری حکومت‌های مستقل ایرانی و شرایط اجتماعی هر یک نموده است. هر چند در این کتاب به جزئیات مناصب شهری اشاره نشده و به طور کلی از آن‌ها یاد کرده است به هر حال از این جهت برای مطالعات تاریخی آن هم در مسائل تاریخ اجتماعی مفید فایده است.

۱-۱۰-۴. تاریخ اجتماعی ایران تألیف مرتضی راوندی (۱۳۸۲). این کتاب که از نظر موضوعی در زمره‌ی تحقیقات عمومی قرار می‌گیرد در ۱۲ جلد گردآوری شده است. مجلدهای ۲، ۳ و ۴ ارتباط مستقیمی با سیستم اداری و حکومت امیران بویهی در ایران و عراق دارد. هرچند غرض نویسنده صرفاً نگارش تاریخ سلسله بویهی نبوده، اما اشاراتی نموده است. در مجلدهای ۷، ۸ و ۹ کتاب خویش در ارتباط با مناصب قاضی، شرطه و نقیب توضیحات مختصری را برای آشنایی ذهن خواننده با آن مناصب آورده است.

۱-۱۰-۵. ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه اثر مشترک حسن پیرنیا و عباس اقبال آشتیانی (۱۳۸۰) این کتاب نیز در زمره‌ی تواریخ عمومی است، در باب دوم از فصل دوم کتاب اوضاع اجتماعی ایران در زمان ورود عرب‌های مسلمان، سقوط ساسانیان و حوادث پس از آن مطالبی آورده شده است که ضمن آن می‌توان نسبت به روند انتصاب مسئولین شهرها تا حدودی اطلاع یافت.

۱-۱۰-۶. محمد علی آل خلیفه (۱۴۲۵) در اثر خود « امرأ کوفه و حکامها »، به مسئولان امور شهری و نمایندگان حکومتی در شهر کوفه از زمان خلفای راشدین، زمان امویان و خلفای عباسی پرداخته است. این اثر از نظر موضوعی در زمره‌ی کتاب‌هایی قرار می‌گیرد که شرح حال نویسی نامیده

می‌شود و شامل اطلاعات مفید، در ارتباط با نحوه‌ی اداره‌ی شهر کوفه در زمان‌های مذکور می‌باشد.
۷-۱۰-۱. واسط فی العصر العباسی، تألیف عبدالقادر سلمان معصیدی (۱۴۲۶)، کتاب در ارتباط با جغرافیای شهری است. همچنین شامل اطلاعات کلی و مفیدی در ارتباط با عصر عباسی و نظام اداری شهر در دوره‌ی مذکور است.

۸-۱۰-۱. تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی فارس در دوره‌ی آل بویه تألیف ایمانی‌فر (۱۳۸۹)، در سومین بخش از این اثر بطور مستقل به ساختار اجتماعی حکومت آل بویه و برخی از مناصب موجود در شهرهای بویهی بویژه منصب نقابت علویان، دیوان‌های موجود در آن دوره و وظایف هریک از این دیوان‌ها پرداخته است.

۹-۱۰-۱. رساله دوره کارشناسی ارشد خانم خسروجردی (۱۳۸۸) با عنوان «اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فارس از ورود اسلام تا آل بویه» به طور خلاصه به منصب قاضی و نحوه‌ی انتصاب سایر مقامات اشاراتی نموده است.

۱۰-۱۰-۱. رساله کارشناسی ارشد هادی‌زاده (۱۳۸۹) با عنوان «نظام اداری آل بویه» اشاراتی کلی به منصب نقیب در این دوره نموده است. همو در رساله دکتری خود با همین عنوان به بررسی نظام اداری بویهیان پرداخته اما به سیر تحولات مناصب شهری، وظایف و عملکرد آنان در دوره‌ی مذکور توجه ننموده است.

۱۱-۱۰-۱. مقاله مختصر اما سودمند از دکتر سید حسین مدرسی طباطبایی (۱۳۵۸)، محقق برجسته‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم و استاد فعلی دانشگاه آکسفورد و کلمبیا و پرینسون، تحت عنوان «سخنی چند درباره‌ی نقابت سادات و کار نقیب». این مقاله با همه‌ی اختصاری که دارد، تحلیل‌های ارزش مندی در آن به چشم می‌خورد. با تمام این‌ها به نظر می‌رسد بخشی از مقاله که به آیین یا رسوم نقابت و شروط احراز این مقام مربوط است، صرفاً مبتنی بر الأحکام السلطانیة مارودی است، ضمن این که به وضعیت این منصب در دوره‌ی آل بویه اشاراتی ننموده است و فقط زمینه‌های پیدایی آن را در دوره‌ی اسلامی بررسی کرده است.

۱۲-۱۰-۱. اکسل هاومن (۱۹۶۶م) در مقاله‌ای با عنوان “Nakib Al – Ashraf” به بررسی منصب نقیب پرداخته است. این مقاله که به قلم وی در جلد هفتم دائرة المعارف اسلام در لیدن به چاپ رسیده است، بسیار مختصر و فاقد هر گونه اطلاعات یا تحلیل تازه‌ای نسبت به مقاله‌ی مدرسی است.

۱۳-۱۰-۱. محمد حسین ساکت (۱۳۶۵) در اثر خود تحت عنوان «نهاد دادرسی در اسلام»، ضمن پژوهشی در روند و روش دادرسی به سیرتاریخی منصب قضا نیز اشاراتی کرده، این اثر از سوی آستان قدس رضوی به چاپ رسیده است.

۱۴-۱۰-۱. لوپس (۱۹۶۵م) در مقاله‌ای نه چندان طولانی تحت عنوان “Shahr” در جلد ششم دایرة المعارف اسلام تحت مدخل شهر، به تعریف لغوی شهر پرداخته بدون این که تفسیری و تحلیلی را بر آن جاری سازد.

۱۵-۱۰-۱. محمد هادی خالقی (۱۳۷۸) طی پژوهشی در ارتباط با پیدایش و گسترش اولیه

تشکیلات سادات، با نام « دیوان نقابت » به بررسی شرایط شیعیان و سادات از صدر اسلام و علل پیدایش دیوان نقابت پرداخته است.

با تمام این اوصاف باید دانست، از این جهت که غایت نهایی آثار مذکور ترسیم سیمای کلی اوضاع اجتماعی ایران در دوره‌های یاد شده است مناصب شهری دروهی آل‌بویه به صورت دقیق مورد بررسی قرار نداده‌اند. حتی اگر فصلی را به بررسی نظام اداری حکومت‌های ایران بعد از اسلام اختصاص داده‌اند در ارتباط با اوضاع شهری دورهی آل‌بویه و مناصب شهری آن به صورت گذرا پرداخته‌اند. بدین شکل که پس از تفسیری وسیع در ارتباط با سیستم شهری و کشوری سامانیان گذری نموده و به دوران غزنویان و سپس سلجوقیان پرداخته شده است. از این جهت کار نگارنده این رساله از کارهای تحقیقی که تاکنون شکل گرفته متمایز می‌گردد.

۱-۱۱. تعریف مفاهیم

الف) دادرسی

تعریف نظری: از نظر لغوی، به مجری عدالت گفته می‌شود و در اصطلاح دادگستری، مترادف با قاضی و قاضی محکمه است. بنابراین به شخصی که عمل دادرسی را انجام می‌دهد عنوان قاضی نیز اطلاق می‌شود. (دهخدا، ۱۳۴۱: ج ۱۹، ص ۲۸. جلالی، ۱۳۸۶: ص ۲۹۱)

تعریف عملیاتی: در اصطلاح تاریخی به کسی که در رأس محکمه قرار می‌گیرد و به حل و فصل دعاوی میان رعایا و یا اختلافات میان رعایا با عمال حکومتی می‌پردازد گفته می‌شود. بنابراین به جهت قرابت معنایی که با لغت قاضی از نظر اصطلاح تاریخی دارد گاه نگارنده لغت دادرسی را معادل قاضی قرار داده و حتی در برخی از جاها به جای لغت قاضی بکار می‌برد.

ب) نخبه:

تعریف نظری: از نظر لغوی نخبه به معنی برگزیدن، انتخاب کردن و زبده کردن است. (دهخدا، ۱۳۴۱: ج ۳۷، ص ۳۸۴. جلالی، ۱۳۸۶: ص ۶۲۹)

تعریف عملیاتی: در اصطلاح تاریخی به افراد سرشناس شهری اطلاق می‌شود که به دلیل انتساب به خاندان‌های متنفذ، شاخص و به جهت تمکن و ثروتی که دارند در شهرها از اقتدار زیادی برخوردارند. بنابراین از این جهت در میان گروه‌های شهری معتبر شده و مقبولیت رعایا را خواسته یا ناخواسته به جهت ویژگی‌های مذکور بدست می‌آورند.

پ) شهر:

تعریف نظری: « محلی که از لحاظ سکونت و کسب و کار و تأسیسات اداری کما بیش مرکزیت

دارد، و از جنبه اداری به این عنوان شناخته شده است. اما پهلوی این کلمه شهر یا شتر، در دوره‌ی ساسانیان غالباً به معنی کشور بکار می‌رفته است (مانند ایران‌شهر به معنی کشور ایران) و تقریباً معادل با کلمه خستر در فارسی باستان به معنی مملکت و قلمرو سلطنت بوده است، در دوره‌ی ساسانیان شهر یکی از واحدهای جغرافیایی منظور در تقسیمات کشوری نیز بود، و مرکز آن شهرستان نام داشت. محتملاً حتی در فارسی کهن، علاوه بر معانی کشور و ولایت بمعنی آبادی بزرگ یا شهر به معنی کنونی هم داشته است. و این ظاهراً بدین مناسبت بوده است که بسیاری از شهرهای بزرگ ایران آبادی‌های تابعه داشته‌اند که متعلق به شهر محسوب می‌شده‌اند. لفظ شهر به معنی کشور در نام بعضی کسان آمده است (مانند شهر برز و یا شهربانو) و هم چنین این لفظ در جزء نام برخی از آبادی‌ها دیده می‌شود. مانند شهر بابک در ایران. « (مصاحب، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۱۵۱۱) هم چنین، شهر در لغت به معنی جایی با گذرگاه، خانه‌ها، بازار و نهاد های اداری است. (جلالی، ۱۳۸۶: ۴۲۹) در دایرة المعارف اسلام زیر مدخل شهر چنین نوشته شده است: «لغت قدیمی فارسی است که به یک منطقه‌ی حکمرانی یا پادشاهی اطلاق می‌شود. در فارسی باستان و هم چنین در فارسی مدرن، شهر بر مرکز امارت پادشاهان و والیان دلالت دارد که از این جهت بر روستاهایی که در اطرافش قرار دارد از نظر اداری و سیاسی مسلط است. « (لوپس، ۱۹۶۵: ج ۶، صص ۲۶۳-۲۶۲)

تعریف عملیانی: در این پژوهش منظور از شهر نسبتاً با معنی لغوی آن هماهنگی دارد بدین جهت که مراد محقق از «شهر» ناحیه‌ای مسکونی و جغرافیایی است که محل تجمع مجموعه‌ای از افراد با تنوع قومی، مذهبی، و گروهی است مطابقت دارد اما از این جهت که چه نواحی با داشتن چه ویژگی‌هایی شهر گفته می‌شود، متفاوت است. بنابراین در این پژوهش ناحیه‌ای را که دارای مسجد جامع و منبر است و در آن خطبه خوانده و نماز جمعه برگزار می‌شد و مقر زندگی والیان است شهر دانسته شده است. زیرا، یکی از ویژگی‌های حقوقی مهم شهرها در قرن های نخستین هجری، داشتن مسجد جامع و منبر بود. مثال زیر تا حدی اهمیت این وجه ممیزه‌ی حقوقی بین شهر و روستاها را در قرون نخستین اسلامی نشان می‌دهد. در آغاز در هر شهر یک مسجد جامع وجود داشت و تشکیل دو مسجد جامع در یک شهر جایز نبود؛ اما پس از آن که شهرهای مهم از وسعت و جمعیت زیادی برخوردار شدند، به ناچار اجازه‌ی تأسیس دو و سپس سه چند جامع در آنها صادر شد. حتی در اوائل گسترش اسلام، از نظر حقوقی در روستاها نمی‌بایست مسجد جامع احداث می‌شد. ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی گفته است که یکی از افراد محتشم و ثروتمند در روستای خود موسوم به «اسکجکت» مسجد جامعی بنا کرد و نماز جمعه‌ای در آن بر پا ساخت. پیشوایان بخارا پس از دریافت این خبر، با احداث جامع در آن روستا مخالفت کردند و آن‌جا را تعطیل کردند. پس از مدتی مسجد را ویران کردند و از مصالح آن در احداث مدرسه‌ای در بخارا استفاده کردند. (نرشخی، ۱۳۶۳: ص ۲۰)

ت) شهری:

تعریف نظری: در لغت منسوب به شهر، شهرنشین و ساکن شهر و مقابل روستایی است. (دهخدا، ۱۳۴۱: ج ۲۴، ص ۱۱۹). در اصطلاح تاریخی نیز به مجموعه افرادی اطلاق می‌شود که در شهرها

ساکن اند.

تعریف عملیانی: مراد از شهری در این پژوهش ، گروه‌های قومی ، مذهبی، زبانی و اقلیت های دینی است که در یک مکان با هم زندگی می‌کنند و به گذران زندگی و کسب و کار می‌پردازند.

ث) منصب:

تعریف نظری: در لغت بر پایگاه و جایگاهی اطلاق می‌شود که فردی را بر آن بگمارند. (جلالی، ۱۳۸۶: ۶۶۸) هم‌چنین، « منصب » و « منصب دار » لغتی نظامی است که دارای سلسله مراتبی است. که طی آن جایگاه‌های پائین‌تر موظفانند به جایگاه‌های بالاتر از خود خدمت و دستورات آن‌ها را اجرا نمایند. (لوئیس، ۱۹۶۵: ج ۶، ص ۴۲۲)

تعریف عملیاتی: منصب به عنوان یک اصطلاح تاریخی در شهرهای بویهی، جایگاه، مسئولیت، نقش و منزلت اجتماعی بود که فرد توسط یک مقام عالی رتبه مانند امیرالأمرا، حاکم، والی در آن جایگاه گمارده می‌شد و به تبع برای فرد، مسئولیت‌ها و وظایفی تعریف می‌شد، در مقابل به او اختیاراتی داده می‌شد تا با قدرتی که بدین طریق بدست می‌آورد حکمش در گروه‌های شهری نافذ باشد و اقتدارش مشروع گردد.

ج) گروه های شهری:

تعریف نظری: گروه در اصل از لغت پهلوی گره به معنی دسته است. جماعتی از مردم را گویند و به عربی قوم خوانند. هم چنین در لغت به معنی طائفه، جمعیت، دسته، امت ، حزب، فرقه و زمره نیز هست. (دهخدا، ۱۳۴۱: ج ۳۱، ص ۲۵۸) به چند کس یا چند چیز هم جنس که در کنار هم گرد آیند نیز اطلاق می‌شود. (جلالی، ۱۳۸۶: ص ۵۶۳)

تعریف عملیانی: در اصطلاح تاریخی نیز به معنی دسته و یا جمعیتی از مردم است و مراد از گروه های شهری در این تحقیق، دسته‌ای از رعایای ساکن در یک شهر است که به دلیل داشتن نقاط مشترکی مانند مذهب، پیشه یا حرفه، هدف مشترک مثلاً مبارزه با حکومت مرکزی یا به جهت اشتراکات قومی و زبانی با سایر گروه های ساکن در شهرها تمایز می‌یابند و خود به تنهایی یک گروه محسوب می‌شوند.

۱-۱۲. پیشینه موضوع پژوهش

پس از حمله اعراب مسلمان به ایران ، یکی از دغدغه‌های سیاسی، اجتماعی فاتحان چگونگی اداره‌ی قلمرو به چنگ آمده بود. تجربه دولت مردان و گرایش متکی بر فقاقت از یک سو و ساختار اداری بازمانده از دولت ساسانیان از سوی دیگر، اعراب را بر سر دو راهی گزینش شیوه‌ی ملک‌داری وامی‌داشت. به تعبیر دیگر پرسش این بود که تا چه میزان دخالت دادن عرف عامه و آیین نامه‌ها و قوانین پیشین در امور شرعی و فقهی رواست. سرانجام در بیشتر زمینه‌ها، شیوه‌ی اداری پیشین که مردم دیر زمانی با آن خو گرفته بودند، به شرط ناسازگار نبودن با آموزه‌های دینی برگزیده می‌شد.